



اخلاق حکمرانی در شاهنامه حکیم فردوسی

سیده فاطمه زارع حسینی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (دانشکده الهیات- گروه آموزشی ادیان و عرفان تطبیقی)

چکیده

شاهنامه حکیم فردوسی، یکی از مهم‌ترین آثار حماسی جهان و برجسته‌ترین منظومه حماسی و ملی ایرانیان، حجم قابل توجهی از میراث کهن دینی، فرهنگی و زبانی ایران باستان را در خود جای داده است. شگفت آن که اگرچه شاهنامه اثری رزمی- حماسی محسوب می‌شود، ولی سرشار از آموزه‌ها و مطالب اخلاقی و کاربردی است و مضامین اخلاقی همچون جامعه‌ای زیننده و برازنده قامت این حماسه دیرسال را پوشانده و زینت داده است. در این منظومه، هنجارها و هشدارهای اخلاقی مؤکدی برای طبقه حاکم به عنوان قدرتمندترین، اثرگذارترین و مسئول‌ترین طبقه در میان اقشار مختلف جامعه آمده است. برای مثال، حکمرانان برای توفیق یافتن در امر حکومت، نیاز به آمادگی‌هایی ویژه دارند و گذشته از احراز صلاحیت فکری و علمی مانند بهره‌مندی از دانش، هوش و فرهنگ، علم سیاست و کشورداری، بایستی به حلیه اخلاق آراسته و به هنجارها و قواعد اخلاقی خاص طبقه خود نیز پایبند باشند. در حقیقت، اخلاق تضمین‌کننده مصونیت حاکم و حکومت در برابر خطرات و آسیب‌های احتمالی و ضامن کامیابی، دوام و بقای وی و ملک اوست. در شاهنامه، خدااباوری و خداپرستی، دینداری و خردمندی مبانی و پایه محکم و استوار اخلاقی‌اند که سایر ارزش‌ها و اصول اخلاقی بر آن وضع می‌شوند و قوام و دوام می‌یابند، و فضیلت‌هایی مثل عدالت‌گستری و دادگری، راستی، گشاده‌دستی و بخشش، بردباری و فروتنی، پیروی از نیکی و پرهیز از بدی، پیمان‌داری و وفای به عهد و قدرشناسی؛ و رذیلت‌هایی از قبیل ظلم و بیدادگری، دروغ، خشم، تکبر، حرص و آز، پیمان‌شکنی و حسد در زمره بااهمیت‌ترین و برجسته‌ترین اصول اخلاقی حکمرانان آمده است. در این جستار در پی آنیم تا پس از ارائه تعریفی کوتاه از اخلاق، با مطالعه و مرور شاهنامه فردوسی ضمن بررسی بایدها و نبایدهای توصیه‌شده به شاهان و حکمرانان، ام الفضائل و ام الرذائل اخلاق حاکمان را جستجو و مطرح نماییم.

واژگان کلیدی: شاهنامه فردوسی، اخلاق، حکمرانی / شهریار، فضایل، رذایل